



سال دوم - شماره چهارم - پاییز ۱۳۹۱

صص ۱۱۱-۱۴۲

طراحی و ارائه مدل سنجش توسعه فرهنگی شهری بر اساس رویکردهای تفکر هوشمند و ظرفیت‌سازی فرهنگی (مطالعه موردی شهر اصفهان)

دکتر علی عطافر^۱

سعید آقاسی^۲

چکیده

توسعه فرهنگی یکی از ابعاد اصلی فرایند توسعه محسوب می‌شود به گونه‌ای که زمینه و بستر مناسب را برای توسعه فراهم می‌سازد. توسعه فرهنگی هم علت توسعه و هم معلول آن بوده و محوری‌ترین هدف در توسعه فرهنگی، کمال انسانیت است. امروزه یکی از بحث‌انگیزترین مباحث بویژه در جوامع در حال توسعه، موضوع فرهنگ و توسعه شهری بوده و در چنین فضایی، توسعه به عنوان فرایندی چند بعدی، تلاش برای بهبود زندگی مادی و معنوی انسانی تلقی شده و فرهنگ به منزله بنیان زندگی فکری و معرفتی جامعه محسوب می‌شود. ارتباط متقابل این دو، امکان رشد توانایی‌های انسان را فراهم می‌آورد. در این مقاله ضمن تبیین نظریه‌ها و رویکردهای مختلف توسعه فرهنگی، توسعه فرهنگی شهری به تفصیل بررسی شده و نهایتاً مدل بومی بر اساس آمیخته دو رویکرد تفکر هوشمند و ظرفیت‌سازی فرهنگی برای توسعه فرهنگی شهری ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی: توسعه، توسعه فرهنگی، توسعه فرهنگی شهری، حقوق فرهنگی، مشارکت فرهنگی، مسئولیت فرهنگی، سرمایه فرهنگی، ظرفیت‌سازی فرهنگی، کارآفرینی فرهنگی.

attafar@yahoo.com

۱- دانشیار دانشگاه اصفهان

۲- دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات اصفهان

Sae_Aghasi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۱/۴/۱۱

تاریخ وصول: ۹۱/۱/۲۸

مقدمه

از پایان جنگ جهانی دوم به این سو، توسعه به عنوان یکی از مهمترین مسائل در محافل دانشگاهی و برنامه‌ریزی کشوری مطرح بوده به نحوی که در دهه پایان قرن بیستم، اغلب کشورها به بازنگری وضعیت خود در این باره پرداخته‌اند. اگرچه بحث درباره فرهنگ از دیرباز در جهان سابقه داشته ولی بررسی آن با دیدگاه فرهنگی در دهه‌های اخیر شروع شده و اولین بار در یونسکو بحث فرهنگ و توسعه مطرح شد.

در دهه ۱۹۷۰ در کشورهای اروپایی مفاهیم و واژه‌های توسعه فرهنگی و سیاست فرهنگی مصطلح گردید و بعد از کنفرانس یونسکو در «ونیز»، مفهوم برنامه‌ریزی فرهنگی برای توسعه فرهنگی مطرح گردیده و بی توجهی به مؤلفه‌های فرهنگی را شکست توسعه و فرایند توسعه را تحول فرهنگی قلمداد کردند. (زیاری، ۱۳۷۹: ۹۱)

توسعه شهرنشینی بخصوص در کلان‌شهرها از یک طرف، امکان تجمع افراد، کالاها، خدمات و فرصتها را فراهم می‌سازد و در عین حال موجب گسستگی و تضعیف مکانها، سنت‌ها و شبکه‌های موجود شده و تأثیر شایانی بر عادات، شیوه‌های رفتاری، الگوهای اندیشه و احساس بر جای گذاشته است. (گیدز، ۱۳۸۶: ۱۲۸)

در نظریه‌های اخیر توسعه شهری دو رویکرد وجود دارد. رویکرد اول شهرها را نمودی از «فضیلت مدنی»^۱ می‌داند که سرچشمه پویایی و خلاقیت فرهنگی^۲ است. در این رویکرد، شهرها بیشترین فرصت را برای توسعه اقتصادی و فرهنگی فراهم آورده و ابزارهای لازم را برای زندگی آسوده و رضایت‌بخش به دست می‌دهند. رویکرد دوم شهرها را آتش سوزان و کانون پردودی می‌بیند که آکنده از جماعتی

1 _ Civil Virtue

2 -Cultural creativity

پرخاشگر و بی اعتماد به یکدیگر است که ضمن وجود تعارضات فرهنگی، همگی غرق در جنایت و خشونت و فساد و تباهی اند. (بورجا، ۱۹۹۶: ۲۳۱)

هرچند شهرنشینی در ایران در طول دهه‌های گذشته با رشد قابل توجهی همراه بوده اما از مشکلات و پیامدهای منفی نیز به دور نبوده است. بخشی از این مشکلات حاصل عدم توجه کافی به بعد فرهنگی زندگی شهری است. همراه نمودن توسعه، فرهنگ و شهر از موضوعات پیچیده و در عین حال قابل تأمل است.

نقش فرهنگ و تحولات آن در توسعه در کشور ما بویژه پس از انقلاب اسلامی، اهمیت بیشتری یافته و در تعامل برای رسیدن به این هدف، توجه به عوامل مؤثر و موانع موجود بر سر راه توسعه فرهنگی شهری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. چگونگی همراهی و ترکیب سه مؤلفه توسعه فرهنگی و شهرنشینی سؤال اصلی این مقاله بوده و مؤلفان این مقاله با در نظر گرفتن دیدگاه مطرح شده در نظریه‌های با رویکردهای متفاوت، در صدد پاسخ‌گویی به سؤال بالا در قالب یک مدل مفهومی قابل اجرا می‌باشند.



توسعه، فرایند ارتقا و اعتلای مادی و معنوی جامعه در راستای اهداف و مقاصد مطلوب است که زمینه‌های مناسب را برای تعالی همه جانبه انسانها فراهم می‌سازد. (راد، ۱۳۹۰: ۵۳)

در تعریف بالا چند نکته مهم نهفته است:

الف) توسعه یک فرایند مستمر و همیشگی است بنابراین جامعه‌ای که به مرحله‌نهایی توسعه رسیده باشد وجود خارجی ندارد.

ب) توسعه یک جریان چند بعدی است و باید تمامی ابعاد حیات انسان را دربرگیرد.

ج) از آنجایی که توسعه ابزاری برای بهبود زندگی مادی و معنوی انسان است، بنابراین انسان، محور توسعه است.

د) اینکه جامعه مطلوب و ایده‌آل چیست و انسان متعالی کیست؟ یک سؤال همیشگی به قدمت انسان است با جوابهای بی‌شمار و متنوع، بنابراین: **اولاً** توسعه مفهومی نسبی بوده و با قضاوت ارزشی همراه است و **ثانیاً** نمی‌توان قوانین عام و کلی برای توسعه تدوین کرد بلکه در هر برهه زمانی می‌توان از معیارها و ملاکهای عام توسعه سخن گفت.

در باب توسعه و توسعه‌یافتگی نظریات متعددی وجود دارد که به طور خلاصه با سه عنوان طبقه‌بندی می‌شوند:

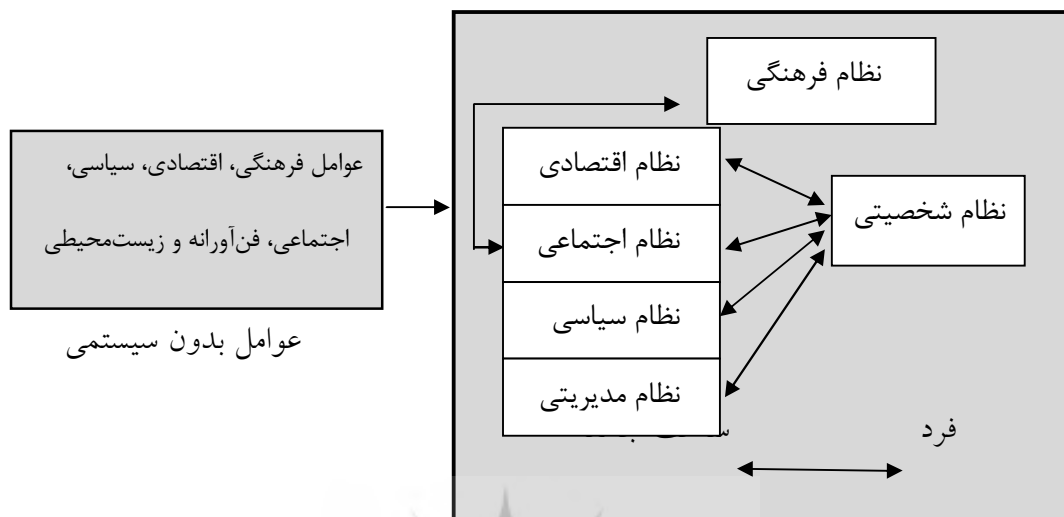
* راهبرد تکاملی در برابر راهبرد انقلابی

* راهبرد برون‌گرا در برابر راهبرد درون‌گرا

* راهبرد جزئی‌نگر در برابر راهبرد کلی‌نگر

در دسته‌بندی اول صحبت از متناوب و همه‌گیر بودن یا نبودن توسعه است، در دسته‌بندی دوم الگو قرار دادن یا ندادن کشورهای توسعه‌یافته برای کشورهای در حال توسعه و در دسته‌بندی سوم تمرکز بر یک یا چند عامل توسعه مطرح می‌شود.

صرف‌نظر از رویکرد نظری به مفهوم توسعه، می‌توان توسعه را فرایندی دانست که مجموعه‌ای از عوامل در آن دخیل هستند. در نمودار زیر عوامل درونی و برون‌ی توسعه نمایش داده شده است.



شکل شماره ۱- نگرش سیستمی به عوامل توسعه

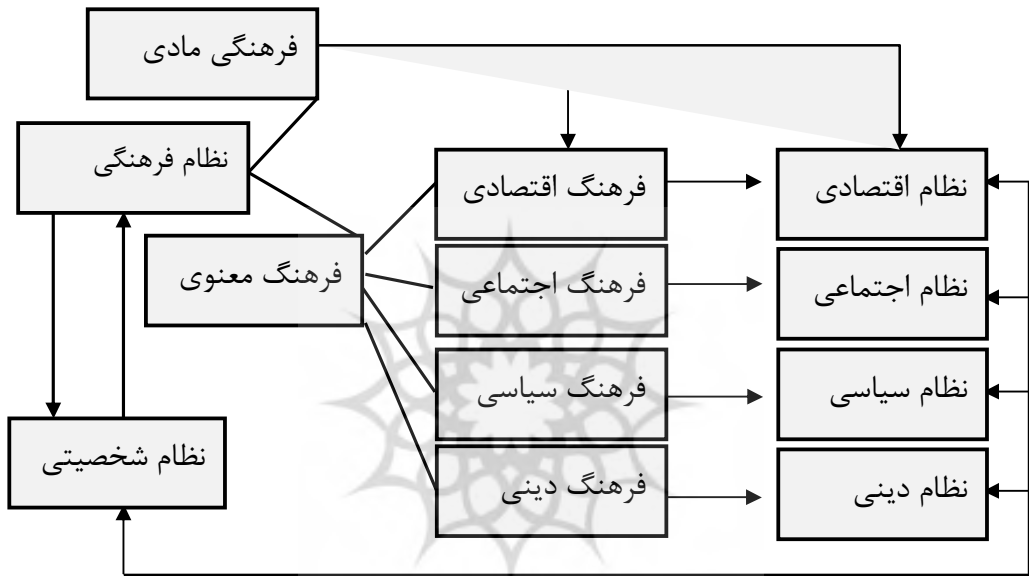
همانگونه که در شکل دیده می شود عوامل فرهنگی و نظام فرهنگی از جمله اصلی ترین عوامل برون و درون سازمان فرهنگی بررسی نقش فرهنگ در فرایند توسعه به معنای علت العلل دانستن آن نیست اما از آنجایی که رگه های فرهنگ در تمامی شوون حیات بشری گسترده شده می توان به جرأت اذعان کرد که فرهنگ یکی از عوامل اصلی در فرایند توسعه است. توسعه فرهنگی^۱ را می توان فرایند ارتقا و اعتلای شوون گوناگون فرهنگ جامعه در راستای اهداف و مقاصد مطلوب تعریف کرد که بستر و زمینه مناسب را برای رشد و تعالی انسان ها فراهم می سازد.

در این تعریف اولاً منظور از شوون گوناگون فرهنگ، نگرش ها، ارزش ها، آداب و رسوم، قوانین و ایدئولوژیهاست، ثانیاً توسعه فرهنگی یک جریان دائمی و همیشگی است که نمی توان برای آن در جوامع انسانی یک حد نهایی معین کرد، ثالثاً توسعه فرهنگی یکی از ابعاد اصلی فرایند توسعه محسوب می شود به نحوی

که زمینه و بستر مناسب را برای توسعه فراهم می‌سازد و رابعاً توسعه فرهنگی هم علت توسعه و هم معلول آن است.

توسعه فرهنگی یک بعد از فرایند توسعه است ولی فرهنگ در تمامی جنبه‌های زندگی انسان به طور آشکار و نهان حضور دارد.

شکل شماره ۲ نقش برجسته نظام فرهنگی در فرایند توسعه را نشان می‌دهد.



شکل شماره ۲: نقش نظام فرهنگی در فرایند توسعه

(منبع: راد، جامعه‌شناسی توسعه فرهنگ: ۶۹)

در ارتباط با جایگاه فرهنگ در فرایند توسعه می‌توان دو حالت را در نظر گرفت. ۱- اگر توسعه در مفهوم جامع (مادی و معنوی) و فرهنگ نیز در مفهوم عام یعنی مجموعه‌ای از دستاوردهای مادی و معنوی (ابزار و فنون و نگرش‌ها و آداب و رسوم) مورد نظر باشد در این صورت توسعه و فرهنگ مفاهیم مشترک و متداخلی هستند که تمام شئون زندگی انسان را دربر می‌گیرند پس توسعه مترادف با توسعه فرهنگی است.

۲- اگر توسعه در مفهوم جامع ولی فرهنگ در بعد معنوی مورد نظر باشد در این

صورت توسعه فرهنگی یک بعد از فرایند توسعه است که رابطه تعاملی با بعد دیگر توسعه یعنی توسعه مادی دارد.

با در نظر گرفتن مفروضات بالا می توان نتیجه گیری کرد که:

فرهنگ اقتصادی بخشی از فرهنگ است بنابراین با توسعه فرهنگی در ابعاد دینی، اجتماعی و سیاسی، بعد اقتصادی فرهنگ نیز توسعه می یابد یعنی توسعه فرهنگی منجر به توسعه اقتصادی شده و به نوبه خود از آن تأثیر می پذیرد. در عین حال، فناوری در توسعه سیستماتیک یک فرهنگ، بخصوص در ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن فرهنگ نقش عمده ای را ایفا می نماید.

درباره جایگاه فرهنگ در فرایند توسعه نظریات متعددی وجود دارد که تحت سه عنوان قرار می گیرند: (یونسکو، ۱۹۹۴: ۲۵)

الف) رویکرد تراوشگری (ب) رویکرد توسعه خودمحور (ج) رویکرد توسعه درونزا در رویکرد تراوشگری، توسعه را حاصل تراوش و فراگرد فرهنگ پذیری می دانند بنابراین توسعه کشورهای عقب مانده از طریق تراوش عناصر و خصوصیات توسعه از کشورهای توسعه یافته امکان پذیر می شود به شرطی که کشورهای عقب مانده بخواهند و بتوانند عناصر فرهنگی موافق توسعه را جزئی از فرهنگی خویش ساخته و نهادینه نمایند. (نراقی، ۱۳۸۸: ۱۵۵)

دو نقد مهم بر این دیدگاه وجود دارد: تراوشگری فرهنگی اولاً منجر به بی هویتی فرهنگی^۱ و ثانیاً منجر به آنومی فرهنگی^۲ می گردد. منظور از آنومی ایجاد شکاف میان سنت و تجدد و همچنین شکاف میان نسلها و طبقات جامعه است.

در رویکرد توسعه خودمحور، توسعه زمانی صورت می گیرد که همه چیز از نو آغاز شود یعنی باید بر اساس اصل «بازگشت به خویشتن» و با حفظ هویت فرهنگی و طرد تجارب جوامع پیشرفته برای توسعه فرهنگی حرکت کرد.

1 -Unique Cultural identity

2 -Cultural anomie

نقد وارد بر این رویکرد به عدم توجه به موقعیت زمان و تجارب مفید دیگر کشورها مربوط می‌شود.

در رویکرد توسعه درون‌زا جایگاه فرهنگ در توسعه، جایگاه ویژه‌ای بوده و تحت سه عنوان مورد بحث قرار می‌گیرد: ۱- خودباوری فرهنگی^۱ بر مبنای حفظ هویت فرهنگی ۲- پالایش فرهنگی^۲ بر مبنای شناخت نقاط قوت و نقاط ضعف و فرصت‌ها و تهدیدات فرهنگ بومی ۳- ارتباط آگاهانه با دیگر فرهنگها

باورهای فرهنگی لازم برای توسعه

توسعه، باورها و ارزش‌های فرهنگی خاص خود را می‌طلبد که مهمترین این باورها را می‌توان به صورت زیر فهرست کرد:

- باور به اصل تغییر و دگرگونی در جامعه و هستی
- باور به ضرورت توسعه علمی به این معنا که ساختار فکری جامعه وارد مرحله محاسبات عقلانی شود.
- باور به استعداد و توانایی خارق‌العاده انسان در تسلط او بر طبیعت و نیز توانایی وی بر اصلاح امور اجتماعی و فرهنگی جامعه.
- باور و نگرش مثبت به زندگی
- برنامه‌ریزی بلندمدت برای آینده
- باور به قدرت کار و فعالیت بشری در زندگی
- توجه به نقش زنان در توسعه
- باور به برابری انسان‌ها
- اعتقاد به دموکراسی (حاکمیت زبان منطق به جای زبان زور)
- اعتقاد به آزادی معقول و مشارکت سیاسی توده‌ها در سرنوشت خویش
- پرورش انتقادپذیری در جامعه.

1 -Cultural Self Belife

2 -Cultural refinement

توسعه فرهنگی شهری

با توجه به فراگیر بودن مفهوم فرهنگ، مفهوم توسعه فرهنگی نیز به طیف وسیعی از کردارها و انواع قلمروهای شاخه‌های علمی و حرفه‌ای مرتبط شده و کارکردهای فراوانی در حوزه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پیدا می‌کند. شهر نیز یکی از این حوزه‌هاست. سیاستگذاری برای توسعه فرهنگی شهری فرایندی به هم پیوسته از نظریه تا عمل است و از این رو در این فرایند نمی‌توان میان کردارهای فرهنگی و مادی تمایزی صد در صد قائل شد.

در بررسی عناصر فرهنگی یک شهر، بازشناسی طیف وسیعی از عناصر مرتبط ضرورت می‌یابد؛ از جمله میراث فرهنگی شهر، نهادها، الگوهای سنتی رفتار انسانی و کلیه عناصری که شهر را به ارگانیکم زنده و پویا مبدل می‌کند. در زمینه توسعه فرهنگی شهر چند رویکرد وجود دارد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) رویکرد توسعه فرهنگی یونسکو (فرهنگ به مثابه ابزار انسجام)

هرچند مفهوم توسعه فرهنگی یک مفهوم تازه و یا محدود به یونسکو نیست اما روشن است که جایگاه این اصطلاح با اعلامیه سالهای ۱۹۸۹-۱۹۹۷ یونسکو ترقی یافته و ضمانت اجرایی پیدا کرده است. اهداف کلیدی این اعلامیه‌ها عبارت بودند از:

- صحنه‌گذاری بر بعد فرهنگی توسعه
 - وسعت یافتن دامنه مشارکت در زندگی فرهنگی
 - ارتقای همکاری فرهنگی بین‌المللی (تروتر، ۱۹۹۸: ۹۷)
- این رویکرد در قلمرو برنامه‌ریزی فرهنگی شهر، اساساً از اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی به عنوان یک رویکرد تازه مطرح شده است که بر دستیابی به یک بیان بسیار منسجم هنر و فرهنگ و نیز منابع فرهنگی برای احیاسازی شهرها و زندگی شهری تأکید دارد.

بر اساس تعریف مردم‌شناسی، فرهنگ به مثابه «یک شیوه زندگی» و منابع فرهنگی در این رویکرد تمامی جنبه‌هایی که به «ساختن یک فضا» کمک می‌رسانند را از قبیل: کیفیت‌های محسوس یا نامحسوس مانند هنرها، میراث فرهنگی، جشنواره‌های محلی، مناسک محلی، تولیدات محلی، فرهنگ جوانان، اقلیت‌ها و اجتماعات قومی، حرفه‌ها و توانایی‌های محلی، فضاهای عمومی، معماری، تصاویر و غیره شامل می‌شود.

شهرهایی که خواهان دنبال کردن این راهکار هستند باید فرهنگ را برای استفاده از آن به مثابه یکی از ابعاد توسعه شهری در مرکز سیاست‌های توسعه خود قرار دهند. ضمناً در این رویکرد این عقیده وجود دارد که اگر منابع ذاتی و چه بسا کشف نشده آنها بسیج شوند تمامی مکانهای شهری می‌توانند بهتر شوند آنچنان‌که لاندری^۱ بیان کرده: «هر مکانی چیزی بیشتر از آن است که در نگاه اول به نظر می‌آید چیزی که در زیر زمین پنهان شده، نامرئی، ناشناخته و یا دست کم گرفته شده است.» (لاندری، ۲۰۰۲: ۹۵)

ویژگی این رویکرد، تأکید آشکارا بر فضا و مکان (یعنی بر بخشی از شهر یا تمامی شهر) است. این رویکرد با افزودن بر مسیرهای ابراز وجود برای تمامی بخش‌های جامعه به دنبال تقویت تکثرگرایی فرهنگی است. از این رو این رویکرد به عنوان یک رویکرد دموکراتیک به سیاست فرهنگی و نیز وسیله‌ای استراتژیک برای توسعه شهر تلقی می‌شود.

ب) رویکرد الگوی هوشمند

این رویکرد به نظریه «طبقه خلاق»^۲ نیز معروف بوده و توسط فلوریدا^۳ مطرح شده است. بحث اصلی فلوریدا این است که کارگران ماهر با تحرک مکانی بالا و دارای دانش اقتصادی به مکانهایی جذب می‌شود که فرصتهای استخدامی معین و

1 -Landri

2 - Creative Class

3 -Florida

خوشایندی از قبیل کیفیت زندگی را فراهم می‌کند یعنی به یک حوزه اجتماعی مجهز که در آن بر روی تمامی اشکال خلاقیت هنری و فرهنگی و نیز تکنولوژیکی و اقتصادی گشوده است.

این حوزه فراهم‌کننده بنیان زیست‌بوم یا سکونتگاهی است که در آن اشکال چند بعدی خلاقیت ریشه می‌گیرند و پرورش می‌یابند، به عنوان مثال با حمایت کردن از سبک زندگی و نهادهای فرهنگی از قبیل یک تالار موسیقی یا اجتماع هنری پویا به جذب و انگیزش کسانی کمک می‌شود که در تجارت و فن‌آوری خلاق هستند. (فلوریدا، ۲۰۰۵: ۳۹)

این حوزه اجتماعی مجهز، عناصری مانند حمل و نقل عمومی مطلوب، مدارس عمومی با کیفیت، دانشگاه‌ها، پارک‌ها و مکان‌هایی برای پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری، فرهنگ و هنرها موسیقی و تئاتر را در برمی‌گیرد. فلوریدا در به کارگیری مفاهیم فرهنگ و هنر، اندیشه قراردادی در مورد این مفاهیم را به چالش می‌کشد. در واقع در حالی که هزینه‌های عمومی در حوزه فرهنگ به طور سنتی به سمت سرمایه فرهنگی و نهادهای هنری مانند موزه‌ها، گالری‌ها، تالارهای موسیقی و تئاترها معطوف هستند، وی مفهوم بسط‌یافته‌تری را در مورد جذابیت‌های فرهنگ ارائه می‌دهد و توجه وی به دو جنبه فرهنگی شهرها معطوف است:

نخست، شادابی فرهنگی^۱ که به مثابه مجموعه کلی مطلوبیتهایی تعریف می‌شود که عمدتاً پیرامون یک فرهنگ پویا در سطح خیابان گرد هم می‌آیند از کافه‌های کنار خیابان و رستوران‌ها گرفته تا گالری‌های هنری در سطح محلی و تالارهای موسیقی که عمدتاً به طور طبیعی و خودانگیخته و بدون سیاست‌گذاری عمومی ایجاد می‌شود. دومین بعد فرهنگ شهری، مدارا^۲ و گوناگونی^۳ است که وی آنها را با «شاخص زندگی بدون مزاحمت» و «شاخص متولد خارجی» می‌سنجد. بر این

1 -Cultural Vibrancy

2 -Tolerance

3 -Diversity

اساس وی همبستگی میان سطوح بالای خلاقیت و نوآوری شغلی و سطح بالای «زندگی بدون مزاحمت» را به دست می‌آورد. از نظر وی شهرهای موفق شهرهایی هستند که دارای جوی شهری با مدارایی هستند که در آن سبک‌های زندگی و اجتماعات گوناگون با یکدیگر همزیستی دارند و توسط هنر والا و حوزه‌های هنری تقویت می‌شوند. این‌گونه ویژگی‌های کیفی به مثابه امور سرنوشت‌ساز برای جذب عامل تولیدی مهم در یک اقتصاد ناشی از نوآوری و خلاقیت در نظر گرفته می‌شود.

فلوریدا، رابطه‌ای را میان فرهنگ، سبک زندگی و اقتصاد شهری در نظر می‌گیرد که به واسطه آن شهر، به مثابه فضای پیچیده‌ای در نظر گرفته می‌شود که از سبک‌های زندگی، افراد گوناگون، خلاقیت بالقوه، زندگی اجتماعی و سلیقه‌های همسایگی شکل گرفته و افراد خلاق را پرورش می‌دهد.

نظریه فلوریدا در مقابل راهکارهای سنتی توسعه فرهنگی شهری قرار می‌گیرد که برای سالهای متمادی چشمان خود را به روی ارزش فرهنگ در سطح خیابان بسته بودند. فلوریدا بر روابط میان فرهنگ، سبک زندگی و اقتصادهای شهری تأکید می‌کند.

ج) رویکرد شهر خلاق

یکی از بسط‌های نظریه فلوریدا مفهوم «شهر خلاق»^۱ و توسعه فرهنگی شهر بر اساس خلاقیت‌ها و فرهنگ شهر است. اگر نظریه فلوریدا بر مؤلفه‌های فرهنگی برای توسعه شهر و به منظور جذب یک «طبقه خلاق» یا کارگران ماهر با تحرک مکانی بالا و دارای دانش تأکید می‌کند، رویکرد شهر خلاق بر خود فضای شهر به مثابه هدف اصلی توسعه فرهنگی تمرکز دارد. این رویکرد اساساً مبتنی بر راهکارهای توسعه فرهنگی یونسکو بوده و بر این امر تأکید می‌کند که هر شهر باید بر اساس بهترین عناصر تاریخی، موقعیت جغرافیایی و منابع انسانی‌اش،

سیاست‌گذاری‌های فرهنگی خاص خود را تدوین و اجرا نماید. بر این اساس واریانوا^۱ خلاقیت فرهنگی را فرایندی تعریف می‌کند که به ما کمک می‌کند تا رؤیاهای فرهنگی مان را جامعه عمل ببوشانیم. (واریانوا، ۲۰۰۷: ۵۹)

یعنی جایی که «هنرها برای اهمیت زیبایی‌شناختی‌شان مورد توجه هستند، تنوع فرهنگی پذیرفته شده و ظهور خلاقیت در تمامی اشکال آن مورد حمایت قرار می‌گیرد. مردم می‌توانند در زندگی هر روزشان از فعالیت‌های خلاقانه لذت ببرند. هنرها به مثابه یک ضرورت آموزشی نگریسته می‌شوند و خلاقیت به مثابه یک مهارت ارزشمند در عصر اطلاعات در نظر گرفته می‌شود. هنرها برای نقش مهم‌شان در مزایای اقتصادی و نیز روحی، ذهنی و اجتماعی شهر عامل ارزشمندی به حساب می‌آیند. (داکسبری، ۲۰۰۳: ۲۷۴)

بر این اساس، مفهوم «شهر خلاق» به عنوان مفهومی تازه در بحث‌های توسعه فرهنگی شهر، مؤلفه «سرمایه انسانی» را در کانون نظریه‌پردازی خود قرار می‌دهد. در این راستا این مفهوم بر «خلاقیت توسعه اجتماع» تأکید می‌کند و فرهنگ را اصلی‌ترین شاخص برای داشتن شهری پویا، زنده و سازگار^۲ در نظر می‌گیرد که برای نسل‌های آینده نیز پابرجا و بارور است. در چنین فرهنگی «کنش مشترک» یکی از مهمترین جنبه‌های آن را تشکیل می‌دهد. چنین کنشی متضمن تاریخ و حافظه، منابع و دستاوردهای فرهنگی و هنری و فضاهای عمومی مشترک است. واریانوا ابعاد شهرهای خلاق را اینگونه برشمرده است:

- ۱- میراث و حافظه جمعی
- ۲- فضاهای ملاقات و هنر همگانی
- ۳- هوشیاری شهری
- ۴- فرهنگ به مثابه یک نیروی محرک اقتصادی
- ۵- شهروند فرهنگی
- ۶- توسعه اجتماعات شهر
- ۷- توسعه شخصی و اجتماعی جوانان

د) رویکرد مجموعه فرهنگی

در رویکرد مجموعه فرهنگی^۱ تأثیرات اقتصادی، فضایی و شرایط محیطی بر سیاست‌گذاری فرهنگی مورد تأکید بوده و به دنبال برقراری پیوندی پایدار میان ارزش‌های فرهنگی و زیرساختارهای دامنه شهری است. همانگونه که از نام آن پیداست، در این رویکرد، مجموعه‌های فرهنگی به مثابه نوع تازه و منبع جایگزینی در توسعه فرهنگی شهری در نظر گرفته می‌شود. این مجموعه‌های فرهنگی ترکیبی از کارکردها و خلاقیت‌های فرهنگی، تولید، عرضه و مصرف محصولات فرهنگی اعم از تئاتر، موسیقی و رسانه‌های جدید را دربر می‌گیرد که با یکدیگر در یک شکل فضایی بسیار متنوع گردآوری شده‌اند. (موماس، ۲۰۰۴: ۵۲۲)

موماس^۲ برای بیان منظور خود از مفاهیمی چون «محو فرهنگی» یا «بلوار فرهنگی» استفاده می‌کند که از ادغام شدن انواع کارکردهای تولید مصرف کالای فرهنگی ایجاد می‌شود. از نظر وی آفرینش و غنابخشی مجموعه‌های فرهنگی به مثابه منبعی تازه و بی‌بدیل برای توسعه فرهنگ شهری در مقابل نگرش‌هایی قرار می‌گیرد که نگاهی از بالا به توسعه فرهنگی شهر دارند و صرفاً بر توسعه هنرهای والا در توسعه فرهنگی شهر تأکید می‌ورزند.

ه) رویکرد ظرفیت‌سازی فرهنگی

ظرفیت‌سازی فرهنگی فرایندی دائمی برای کمک به مردم، سازمانها و انجمن‌های فرهنگی برای ارتقا و تطبیق با تغییرات مفید و مقابله کارآمد با تغییرات غیر سودمند محیط فرهنگی است که نتایج و ارتقای این فرایند از طریق مأموریت، اهداف اختصاصی، متن، منابع و پایداری فراهم می‌آید.

هدف این فرایند اولاً پاسخگویی به ضعف‌های درونی شکل‌های فرهنگی و تقویت پتانسیل موجود آنها و ثانیاً کمک به بخش فرهنگ شهر برای هماهنگی با

1 -Cultural Cluster

2 -Mommass

تغییرات سریع محیطی است. پس رسیدن به این اهداف موجب می‌شود که بازخور در سطح ذی‌نفعان که عموم شهروندان هستند بهتر صورت گرفته و توسعه فرهنگی شهری شکل گیرد.

نقش ظرفیت‌سازی فرهنگی در پنج جنبه مهم توسعه فرهنگی شهری قابل بررسی است که عبارتند از:

- ۱- توسعه مبانی اعتقادی- دینی شهروندان ۲- توسعه سرمایه فرهنگی شهر
- ۳- توسعه مشارکت فرهنگی شهروندان ۴- توسعه حقوق فرهنگی شهروندان
- ۵- توسعه کارآفرینی فرهنگی

هدف ظرفیت‌سازی فرهنگی به صورت زیر خلاصه می‌شود:

الف) پاسخگویی به ضعف‌های درونی سازمانهای فرهنگی شهر و تقویت پتانسیل موجود آنها

ب) کمک به سازمانهای فرهنگی شهر به این منظور که به تغییرات سریع محیط فرهنگی که امواج آن از طرف دیگر فرهنگها ایجاد شده واکنش مناسب نشان دهند.

ج) اجرای بهتر برنامه‌های فرهنگی در سطح شهر

د) توانمندسازی شهروندان و کلیه سازمانهای فرهنگی شهر برای مشارکت فعال در اجرای برنامه‌های فرهنگی.

ه) آماده‌سازی شهروندان برای انجام تغییرات برای ارتقای مادی و معنوی آنان و دستیابی به نتایج ملموس مدون و منطبق با برنامه زمان‌بندی معین. (نمازی، ۱۳۹۱: ۴)

چارچوب نظری

با توجه به اینکه هدف نهایی این مقاله طراحی و ارائه مدل بومی ارزیابی توسعه فرهنگی شهری بر اساس آمیختن دو رویکرد تفکر هوشمند و ظرفیت‌سازی فرهنگی می‌باشد، نظریه شهر خلاق و اربانوا که مستقیماً به توسعه فرهنگی شهر پرداخته، به عنوان نظریه اصلی مد نظر قرار گرفته و سعی شده با توجه به دیدگاه ظرفیت‌سازی فرهنگی، نظریه بالا تکمیل شده و نهایتاً مدل مورد نظر طراحی

گردد.

رویکرد شهر بالا بر خود فضای شهر به عنوان هدف اصلی توسعه فرهنگی تمرکز دارد. این رویکرد که اساساً مبتنی بر راهکارهای توسعه فرهنگی یونسکو می‌باشد، بر این امر تأکید می‌کند که هر شهری باید بر اساس بهترین عناصر تاریخی، موقعیت جغرافیایی و منابع انسانی‌اش سیاستگذاری‌های فرهنگی خاص خود را تدوین و اجرا نماید. بر این اساس واربانووا، خلاقیت فرهنگی را محور قرار داده است. همچنین مفهوم سرمایه انسانی به عنوان عامل خلاقیت و توسعه اجتماع در کانون توجه قرار گرفته و فرهنگ را اصلی‌ترین شاخص برای داشتن شهری پویا، زنده و سازگار در نظر می‌گیرد.

برای دستیابی به مدل عملیاتی، تلاش شد تا نظریه شهر خلاق با نظریه ظرفیت‌سازی فرهنگی به صورت توأم مد نظر قرار گیرد.

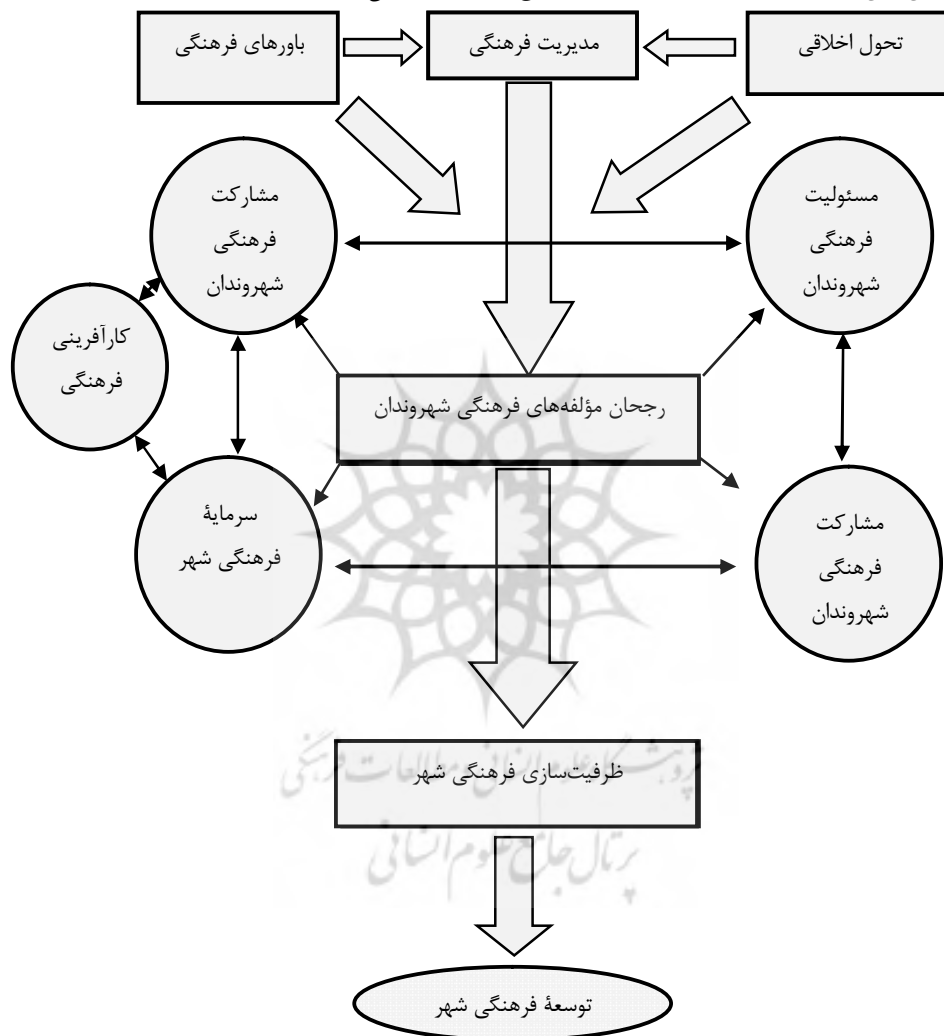
بر اساس این دو نظریه می‌توان گفت که تمام شهروندان و گروهها در تمام عرصه‌ها دارای مسئولیت بوده و سهم هستند چرا که فرهنگ به گستردگی کل شهر و جامعه بوده و در توسعه آن همه افراد ایفای نقش می‌کنند.

از این رو مشارکت مردم اصل اول توسعه فرهنگی شهری است با این وجود بسترسازی آن بر عهده سازمانها و مؤسساتی است که به صورت مدرن برنامه‌هایی را در این راستا دنبال می‌کنند و در میان این سازمانها شهرداری‌ها نقش برجسته‌ای دارند. شهرداری در این راستا می‌تواند برنامه‌هایی را در پیش گیرد تا مسیر اعتلای مادی و فرامادی انسان‌ها را در شهر فراهم ساخته و فرهنگی توسعه‌یافته را دامن زند. این امر بیش از هر امری در زمینه‌های اصلی فرهنگ قابل پیگیری است: ارزشها، هنجارها، رفتارها، فضا و منابع شهروندی از جمله مهمترین عرصه‌های توسعه فرهنگی به حساب می‌آیند.

بر اساس دو رویکرد ذکر شده می‌توان مدل توسعه فرهنگی شهر را شامل عناصر زیر دانست:

تحول اخلاق، باورهای فرهنگی، مسئولیت فرهنگی، حقوق فرهنگی، مشارکت فرهنگی، سرمایه فرهنگی، کارآفرینی فرهنگی.

نقش این عناصر در فرایند توسعه فرهنگی شهر در شکل شماره ۳ نشان داده شده است.



شکل شماره ۳- مدل توسعه فرهنگی شهری

در فرایند توسعه فرهنگی شهر دو محور ذهنی و عینی وجود دارد. بعد عینی، حوزه‌های ملموس و محسوس زندگی و فرهنگ شهری شامل رفتارها، ابزارها؛

فناوری و فضای مادی و معماری شهر را در بر می‌گیرد و بعد ذهنی ابعاد غیر محسوس و غیر ملموس فرهنگ شامل هنجارها، ارزش‌ها و نگرش‌های شهروندان را شامل می‌شود. در مدل طراحی شده عوامل متعددی بر مبنای محوریت عینی و ذهنی در تعامل با یکدیگر قرار دارند که به شرح زیر توصیف می‌شوند.

مسئولیت فرهنگی^۱: مسئولیت‌پذیری از ویژگی‌های مورد نظر در اغلب نظریات توسعه بوده است. مسئولیت فرهنگی شامل مدیریت فرهنگی و رفتارهای مسئولانه شهروندان در حوزه‌های مختلف زندگی شهری است. رفتار و نگرش مسئولانه از دیرباز (زمان ارسطو) مورد توجه بوده است.

آنچنان‌که اساس زندگی در شهر با مسئولیت تک تک افراد همراه است، این مسئولیت در رفتارها به خوبی تجسم می‌یابد و این عامل از بار مسئولیت دولتها در شهر می‌کاهد. تفویض مسئولیت به مردم علاوه بر آنکه آنها را مسئول بار می‌آورد، احساس تعلق و هویت را نیز توسعه می‌بخشد.

مسئولیت شهروندی از شیوه سخن گفتن تا رفتار در خیابان را شامل می‌شود. (افراسیابی، ۱۳۸۸: ۹۹)

شهروند فرهیخته در این زمینه احساس مسئولیت می‌کند چنانکه جامعه‌شناسان نیز اشاره کرده‌اند، بین یک فرد سنتی ساکن در شهر و یک شهروند با فرهنگ شهری تفاوت بسیاری وجود دارد. در یک جامعه سنتی شهری هیچ کس احساس مسئولیت نمی‌کند و در حل مسائل آن دخالتی نکرده و خود را مسئول نمی‌داند و همه چیز را از دولت مطالبه می‌کند در حالی که شهروند با فرهنگ کسی است که شهر را از آن خود دانسته و در واقع شهر را خانه خود می‌شمارد، در حفظ و نگهداری آن کوشاست، همانند خانه خود به آن وابسته است و نسبت به آن دلبستگی دارد و در تمامی مسائل مربوط به آن خود را شریک و سهیم می‌داند. پس فرهنگ شهری یعنی احساس مسئولیت در شهر یعنی احساس دلبستگی و

وابستگی به شهر و مسائل آن. فرهنگ شهری یعنی احساس مسئولیت برای مشارکت در مسائل اجتماعی - سیاسی و فرهنگی شهر. (بیک محمدی، ۱۳۸۰: ۳۹) واربانو در تئوری شهر خلاق خود که بر مبنای رویکرد تفکر هوشمند تدوین شده، از این اصل با عنوان «هوشیاری شهری»^۱ یاد می‌کند. به اعتقاد وی هوشیاری مردم و خلاقیت آنها یکی از اصلی‌ترین شاخصهای ارزیابی شهر است. این شاخص بیانگر میزان کمک افراد به پروژه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی برای کسب نتیجه و ارتقای هرچه بیشتر آنهاست. (واربانو، ۲۰۰۷: ۱۲۵)

حقوق فرهنگی^۲:

زندگی اجتماعی، علاوه بر مسئولیت‌ها با حقوقی نیز همراه است. این حقوق هم توسط شهروندان ایجاد شده و هم لازم است سازماندهی مشخصی در این جهت صورت گرفته و نهادینه شود. این حقوق از سوی شهروندان در ارتباط با هم و در ارتباط با دولت و سازمانها قابل بحث است. حق آموزش، حق برخورداری از فضاهای فرهنگی و دسترسی به فرهنگ از جمله حقوق فرهنگی است. یونسکو در این زمینه از تعبیر «حق داشتن فرهنگ» استفاده می‌کند یعنی اینکه هر شهروند در جامعه از حق دسترسی به فرهنگ برخوردار باشد.

البته حق دسترسی به فرهنگ در جوامع مختلف معانی متفاوتی دارد مثلاً در کشوری آفریقایی که ۸۵٪ جمعیت آن بی‌سواد هستند، حق دسترسی به فرهنگ به معنای باسواد شدن است ولی در جامعه انگلستان که حدود ۹۹٪ جمعیت آن باسواد هستند، حق دسترسی به فرهنگ یعنی دسترسی به امکانات مشارکت فرد در تولید فرهنگ (فاضلی، ۱۳۸۶: ۹۲). این بحث در رویکرد تفکر هوشمند و شهر خلاق با عنوان «توسعه شخصی و اجتماعی جوانان» مطرح شده است. واربانو بر این باور است که یکی دیگر از شاخص‌های مهم شهر خلاق، درگیر بودن جوانان

1 -
2 - Cultural Right

در فعالیت‌های هنری، فرهنگی. سرگرمی‌ها و رسانه‌هاست. فعالیتهای هنری و فرهنگی موجب رشد مهارت‌های رهبری و تصمیم‌گیری جوانان شده و زمینه را برای خوداظهاری^۱ و خودفهمی^۲ جوانان مهیا می‌سازد. شاید مهم‌ترین حقوق فرهنگی شهروندان را بتوان حق آگاهی از برنامه‌های فرهنگی شهر و توسعه فضاهای فرهنگی و ارتباطی عنوان نمود.

سرمایه فرهنگی^۳: شهرهای به دنبال توسعه، نیازمند اشکال خاصی از سرمایه فرهنگی هستند.

شهرهایی با انتظارات جهان، نیاز به انباشت سرمایه فرهنگی را تشخیص داده‌اند به این معنا که فضاهای فرهنگی شهری جدید (مانند حوزه‌ها، کتابخانه‌ها، تئاترهای بزرگ و...) را ایجاد نمایند. (کنگ، ۲۰۰۷: ۳۸۳)

این منابع از یک طرف شامل فراهم شدن فضاهای ارتباطی مجازی و واقعی در شهر می‌شود و از سوی دیگر به روابط برون شهری در داخل و خارج از کشور مربوط می‌شود و البته با توجه به جهانی شدن فرایند ارتباطات، ارتقای همکاری‌های فرهنگی و بین‌المللی ضروری به نظر می‌رسد.

حیات اجتماعی و فرهنگی در جهان امروز با توجه به سطح گسترش‌یابنده ارتباطات بین‌فرهنگی که در سایه پیشرفت تکنولوژی‌های ارتباطی هر روز رو به گسترش و تزايد است، مستلزم سرمایه‌های توانمند فرهنگی و اجتماعی خود و سپس پذیرش تبادل فرهنگی و اجتماعی منطقه‌ای و بین‌المللی است. (امین اسماعیلی، ۱۳۷۸: ۲۲)

وجود و استفاده از فضاها و حوزه‌های عمومی که شهروندان بتوانند در مورد سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های شهری به بحث بپردازند تأثیر بسزایی در شکل‌گیری «شهروند فرهنگی» و نقش آن در توسعه شهر دارد. (واربانوا، ۲۰۰۷: ۱۳۳)

1 -Self-declarative
2 -Self-understanding
3 -Cultural Capital

فضاهایی که میدان و عرصه‌ای برای تولید و خلاقیت فرهنگی است. این فضاها را می‌توان فضاهای فیزیکی در نظر گرفت که در آن افراد گرد هم می‌آیند و در مورد موضوعات گوناگون بحث می‌کنند. از جمله این مکانها می‌توان به کلیسا، مساجد، پارک‌ها، کافی شاپ‌ها، گالری‌های هنری، فرهنگسراها، کتابخانه‌ها و دانشگاه‌ها اشاره کرد. (موماس، ۲۰۰۴: ۵۲۱)

توسعه برنامه‌های آموزشی شهروندان در زمینه‌های مختلف بویژه فرهنگ شهروندی و توسعه شبکه اینترنت در شهر و بویژه در فضاهای عمومی از جمله ابزارهای لازم برای ظرفیت‌سازی فرهنگی است.

احساس تعلق^۱ به عنوان عنصر مهم دیگری از توسعه فرهنگی در بعد ذهنی مطرح می‌شود که بازتاب‌دهنده روابط، فضایل گذشته و چالش‌ها و امیدهای افراد به عنوان شهروندان فرهنگی است. مفهوم احساس تعلق، برداشت هویتی و غروری است که آنها از تعلق داشتن به یک مکان احساس می‌کنند. واریانوا، موزه‌ها را یکی از مهمترین مکانها در شهر می‌داند که موجب تداوم، گردآوری، مستندسازی و آموزش میراث و تاریخ شهر و ساکنان آن می‌داند که احساس تعلق را افزایش می‌دهد.

توسعه نمادهای فرهنگی در فضای شهر (مانند تندیس‌ها و مجسمه‌ها) کمک به توسعه موزه‌ها بخصوص موزه‌های مردم‌شناسی و فرهنگی، برگزاری جشنواره‌های فرهنگ محلی که می‌تواند به هویت‌یابی و احساس تعلق خاطر به شهر کمک کند. شاخص‌هایی هستند که کیستی مردم هر شهر را در معرض دید قرار می‌دهد.

مشارکت فرهنگی^۲

مشارکت به عنوان عنصر عینی توسعه فرهنگی شهر است. این عنصر، هم مکانیسم توسعه فرهنگی و هم عامل توسعه فرهنگی است. توسعه فرهنگی، یک فرایند پیچیده، همه‌جانبه و چندبعدی است که تمامی ابعاد زندگی و تمامی توان‌های

بالتوجه یک اجتماع را در بر می‌گیرد. در این الگوی توسعه به مشارکت فعال مردم در فرایند توسعه و نیز بهره‌مندی تمامی افراد از مزایای آن تأکید می‌شود. (یونسکو، ۲۰۰۰: ۳۸)

انسانها هنگامی قادرند مفهوم زندگی را درک کرده و سرنوشت خویش را دریابند که خویشان را در متن آن پیدا کنند؛ صرفاً تماشاگر نباشند بلکه در فرایندهای آن شرکت فعال و اصیل داشته باشند. (پورشافعی، ۱۳۸۱: ۷۸)

در مسیر بازناندیشی اهداف و وسایل و راههای رسیدن به توسعه، باید اذعان نمود که توسعه عمدتاً در بستر فرهنگ و پویایی فرهنگی رشد می‌کند. در این فرایند افراد انسانی محور قرار می‌گیرند، در نتیجه مشارکت همه افراد و گروههای جامعه هم به عنوان هدف توسعه و هم به عنوان وسیله توسعه ضرورت می‌یابد به بیان دیگر هرگونه جهت‌یابی توسعه و هر نوع برنامه‌ریزی فرهنگی که درباره ظرفیت‌سازی فرهنگی انجام می‌شود باید با مشارکت مردم همراه باشد.

یونسکو در مورد مشارکت مردمی چنین ادعا می‌کند که توسعه باید از مردم و آنچه انجام می‌دهند، می‌خواهند و می‌اندیشند و باور دارند آغاز شود و به سوی ترویج عادلانه‌تر منابع جهت‌گیری شود. هدف نهایی آن آزاد کردن انرژی خلاق مردم است. (یونسکو، ۱۳۷۶: ۶۵)

در مورد مشارکت مردم می‌توان به شاخص‌های زیر اشاره کرد: نظرخواهی از مردم در زمینه برنامه‌های شهر بویژه در زمینه‌های فرهنگی، انجام نیازسنجی فرهنگی مستمر و برنامه‌ریزی براساس نیازهای واقعی شهروندان، ترغیب تشکیل سازمانهای غیر دولتی در عرصه‌های فرهنگی و....

کارآفرینی فرهنگی^۱

کارآفرینی، بنیان و شالوده توسعه است، مفهومی که با ارزش‌آفرینی‌های اقتصادی و معنوی برای افراد، سازمانها و جامعه در سطح کلی و فراملی و پیامدهای

اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بسیاری می‌تواند پاسخگوی بسیاری از چالش‌های روز جامعه باشد. در این معنا، همه رفتارهای انسان از رفتارهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی گرفته تا فرهنگی می‌تواند کارآفرینانه یا غیر کارآفرینانه باشد.

همچنین از آنجا که کارآفرینی به معنای «ارزش‌آفرینی» در خصوص ارزش‌های اقتصادی، اخلاقی، هنری و فرهنگی است، کارآفرینی فرهنگی به صورت فشرده به معنای مدیریت روندها و فرآیندهای تولید و عرضه خدمات و کالاهای فرهنگی و هنری است به گونه‌ای که نوآورانه به احیا و آفرینش ارزش فرهنگی بپردازد. در مفهوم توسعه فرهنگی، ارزش فرهنگی همیشه در برگیرنده ارزش اقتصادی نیست اما ارزش اقتصادی می‌تواند در برگیرنده ارزش فرهنگی نیز باشد. با این حال کارآفرینی فرهنگی فرایندی پویا و دارای بهره‌هایی ماندگار است و در درازمدت می‌تواند به عنوان نیرویی مدد رسان در چرخه توسعه فرهنگی شهر مطرح شود. کارآفرینان، موتور توسعه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هستند که به گونه‌ای ویژه، ایده‌های فرهنگی را به سرانجام رسانده و در جهت ظرفیت‌سازی فرهنگی ایفای نقش می‌کنند.

در کنار واژه مرکب کارآفرینی فرهنگی، می‌توان از کارآفرینی بومی یاد کرد. گویا آنچه کارآفرینی فرهنگی را موفق می‌سازد، کارآفرینی بومی است و هرگونه تعریف از کارآفرینی بومی، نیازمند آمیختگی شناخت پویایی محیطی و آگاهی از شرایط اجتماعی و اقتصادی است.

کارآفرینی بومی بر ایجاد، اداره و گسترش فعالیت‌های تازه کارآفرینانه و مخاطره‌آمیز برای بهره‌گیری افراد بومی دلالت دارد. پشتیبانی از ایده کارآفرینی بومی به نگهداشت و پاسداشت میراث فرهنگی می‌انجامد. (لیندزی، ۲۰۰۹: ۱۷۹)

سرشت کارآفرینی بومی از دو جنبه قابل بررسی است: ابعاد فرهنگی جامعه و نگرش کارآفرینانه برخاسته از آن فرهنگ ویژه. این دو جنبه زمینه‌ساز گسترش

فعالیت‌های فرهنگی کارآفرینانه و پدیدآورنده رفتارهای کارآفرین بخصوص مشارکت فرهنگی است زیرا برای شهروندان، فرهنگ شهر با ارزش است و آنان درباره شهر و میراث خود حسی نیرومند دارند.

کارآفرینی در گستره فرهنگ و هنر که بازتاب‌دهنده ارزش‌های فرهنگی هر جامعه است، برآیند یک فرایند تولید منطقی ویژه است که باید شناسایی شود.

روش تحقیق

به منظور آزمون مدل طراحی شده پژوهش با رویکرد کمی به تحقیق انجام شده و برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز، پیمایش به عنوان یکی از تکنیک‌های روش کمی به کار گرفته شده است به این معنا که ابتدا به کمک منابع، کتب و مقالات علمی، توسعه فرهنگی شهری و راهکارهای موجود را بررسی کرده و سپس با طراحی پرسشنامه نظر کارشناسان را در زمینه توسعه فرهنگی شهر اصفهان جویا شده است.

جامعه و نمونه آماری و ابزار اندازه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش مدیران و کارشناسان فرهنگی شهر اصفهان هستند که تعداد آنها بر اساس بررسی‌های مقدماتی ۱۷۵ نفر مشخص شده و با استفاده از مدل کوکران و در سطح اطمینان ۹۵٪ و در نظر گرفتن $p=q=0/5$ تعداد نمونه ۱۲۰ نفر محاسبه گردیده است. برای انتخاب نمونه به روش تصادفی طبقه‌بندی شده حجمی و بر اساس مدارک تحصیلی افراد اقدام شد. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌ای شامل ۸۵ سؤال بسته و طراحی شده بر مبنای طیف لیکرت استفاده شده که شامل گزینه‌های کاملاً موافق با امتیاز ۵ تا کاملاً مخالف با امتیاز ۱ می‌باشد. ضمناً به منظور شناسایی موانع توسعه فرهنگی شهر اصفهان و راهکارهای توسعه فرهنگی این شهر ۲ سؤال باز در پرسشنامه منظور شد.

یافته‌های پژوهش

در بخش حقوق فرهنگی، آموزش حقوق شهروندی، بیشترین اهمیت را از نظر

کارشناسان داشته است، توسعه پارک‌ها و فضای سبز، ساخت مکانهای ورزشی، برگزاری کنسرت‌های موسیقی، ایجاد و گسترش کتابخانه‌های عمومی توسعه سالن‌های تئاتر، توسعه سینماها، گسترش کافی شاپ‌ها و توسعه قهوه‌خانه‌های سنتی به ترتیب در مرتبه‌های بعدی اهمیت قرار گرفتند.

در بخش سرمایه فرهنگی، توسعه مکانهای گردشگری بیشترین اهمیت را از نظر کارشناسان داشته است. پس از آن گسترش روابط فرهنگی با شهرهای بزرگ دنیا، برگزاری جشنواره‌های بین‌المللی، افزایش منابع مالی در زمینه‌های فرهنگی، برگزاری نمایشگاه‌های فرهنگی، توسعه موزه‌های فرهنگی و مردم‌شناختی، راه‌اندازی شبکه اینترنت در مکانهای عمومی، استفاده از نماهای ایرانی و اسلامی در معماری و فضای شهر، استفاده از اشعار در فضای شهر گسترش مطبوعات و مجلات محلی و استفاده بیشتر از مجسمه‌ها در شهر دارای اولویت هستند.

در بعد مشارکت فرهنگی شهروندان، ترغیب شهروندان به استفاده از فضاهای فرهنگی، مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی و سیاستگذاری فرهنگی، نظرسنجی از شهروندان در زمینه برنامه‌های فرهنگی و گسترش سازمانهای غیر دولتی فرهنگی در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

در بعد مسئولیت فرهنگی، آموزش مسئولیت‌های شهروندی به شهروندان و ارائه خدمات ارزان‌قیمت فرهنگی در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد. اطلاع‌رسانی در زمینه‌های فرهنگی و توسعه فرهنگسراهای شهرداری در مراتب بعدی قرار دارد.

تحلیل استنباطی یافته‌ها

استفاده از آزمون t نشان داد در سطح معناداری ۰/۰۰۲ هر چهار مؤلفه مدل توسعه، در حدی بالاتر از متوسط، در توسعه فرهنگی شهر اصفهان نقش دارند.

به منظور بررسی اهمیت مؤلفه‌های مختلف توسعه فرهنگی، میانگین نمره کارشناسان در ابعاد مختلف از طریق آزمون اندازه‌گیری مکرر با یکدیگر مقایسه گردید. به این منظور ابتدا نمره کل هر مؤلفه بر تعداد سؤالات آن مؤلفه تقسیم

گردید تا تفاوت در تعداد سؤالات مؤلفه‌ها، تأثیری در میانگین نداشته باشد. پس از مشاهده تفاوت میانگین‌ها، با استفاده از آزمون تعقیبی بنفرونی، معناداری تفاوت بین جفت جفت میانگین‌ها بررسی شد.

نتایج نشان می‌دهد کارشناسان به ترتیب برای مسئولیت فرهنگی، سرمایه فرهنگی، مشارکت فرهنگی و حقوق فرهنگی بیشترین اهمیت را قائل شده‌اند.

نتایج به شرح جداول زیر است:

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های مختلف توسعه فرهنگی

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	تعداد
حقوق فرهنگی	۳/۷۰	۰/۷۸	۱۲۰
مسئولیت فرهنگی	۴/۱۶	۰/۸۴	۱۲۰
سرمایه فرهنگی	۴/۰۸	۰/۸۲	۱۲۰
مشارکت فرهنگی	۳/۹۵	۰/۸۵	۱۲۰

جدول ۲- نتایج آزمون اندازه‌گیری مکرر

منابع واریانس	ss	df	m.s	F	P<
مؤلفه‌های توسعه فرهنگی	۱۶/۲۱	۳	۵/۸۸	۳۸/۳۳	۰/۰۰۰۱
خطا	۱۵۲/۱۴	۱۱۰۱	۰/۱۵		

جدول ۳- نتایج آزمون تعقیبی بنفرونی

مؤلفه‌ها	حقوق فرهنگی	مسئولیت فرهنگی	سرمایه فرهنگی	مشارکت فرهنگی
حقوق فرهنگی	۰			
مسئولیت فرهنگی	۰/۲۸*	۰		
سرمایه فرهنگی	۰/۱۹*	+۰/۱*	۰	
مشارکت فرهنگی	-۰/۰۴	+۰/۲۵*	۰/۱۵*	۰

* معناداری تفاوت بین میانگین در سطح ۱٪

ارقام جدول ۳ نشان می‌دهد:

اولاً کارشناسان برای حقوق فرهنگی و مشارکت فرهنگی به یک اندازه ارزش قائل بوده و اهمیت این موارد از اهمیت مسئولیت فرهنگی و سرمایه فرهنگی کمتر است. ثانیاً تفاوت بین میانگین مسئولیت فرهنگی و سرمایه فرهنگی معنادار بوده و اهمیت سرمایه فرهنگی بیشتر است. ثالثاً اهمیت سرمایه فرهنگی کمتر از مسئولیت فرهنگی و بیشتر از دو مؤلفه دیگر است.

همچنین موانع توسعه فرهنگی شهر اصفهان به شرح جدول شماره ۴ و راهکارهای توسعه فرهنگی شهر اصفهان به شرح جدول شماره ۵ از جمله پاسخ‌هایی است که کارشناسان به ۲ سؤال باز پرسشنامه دادند همانگونه که در جداول مشاهده می‌شود، بیشترین موانع مورد نظر در مقوله مسئولیت فرهنگی جای دارد به عبارت دیگر مهمترین مانع در توسعه فرهنگی شهر اصفهان در زمینه ضعف احساس مسئولیت مردم و مسئولان به فرهنگ و موضوعات مرتبط با آن نهفته است و بعد از آن بی‌توجهی به حقوق فرهنگی به عنوان مانع مهم در توسعه فرهنگ شهری اصفهان شناخته می‌شود.

جدول ۴- مهمترین موانع توسعه فرهنگی شهر اصفهان از دیدگاه کارشناسان و مدیران

فرهنگی این شهر

پاسخ	مؤلفه	پاسخ	مؤلفه
بی توجهی مردم به فرهنگ	مسئولیت فرهنگی	مشکلات اقتصادی خانواده‌ها	حقوق فرهنگی
بی توجهی به فرهنگ بومی	مسئولیت فرهنگی	عدم تخصص‌گرایی	مسئولیت فرهنگی
مسئولان غیربومی	مسئولیت فرهنگی	عدم سرمایه‌گذاری	حقوق فرهنگی
عدم حضور صاحبان ایده در سیاست‌گذاری فرهنگی	مسئولیت فرهنگی	کمبود فضاهای فرهنگی	حقوق فرهنگی
کم توجهی مسئولان به فرهنگ	حقوق فرهنگی	مدیریت ناپایدار	مسئولیت فرهنگی
عدم آموزش همگانی	حقوق فرهنگی	شعارزدگی	مسئولیت فرهنگی
عدم اطلاع‌رسانی	حقوق فرهنگی	موازی‌کاری	مسئولیت فرهنگی
کمبود امکانات و منابع	حقوق فرهنگی	عدم تعادل بین نقاط شهر	حقوق فرهنگی
عدم شایسته‌سالاری	مسئولیت فرهنگی	تنگ‌نظری	مسئولیت فرهنگی
مدیران غیر متخصص	مسئولیت فرهنگی	عدم آگاهی از حقوق شهروندی	حقوق فرهنگی
اختلاف بین مسئولان	مسئولیت فرهنگی	رقابت‌های سیاسی	مسئولیت فرهنگی
مهاجرپذیری	سرمایه فرهنگی	سازگاری مردم با محرومیت‌ها	حقوق فرهنگی
کمبود سرانه فرهنگی	حقوق فرهنگی	بوروکراسی پیچیده در امور فرهنگی	مسئولیت فرهنگی
عدم برنامه مدون فرهنگی شهر	مسئولیت فرهنگی	پراکندگی برنامه ریزی فرهنگی	مسئولیت فرهنگی
عدم مشارکت مردم	مشارکت فرهنگی	عدم شناخت از فرهنگ	حقوق فرهنگی
ضعف مدیریت	مسئولیت فرهنگی	بی توجهی به حقوق شهروندان	حقوق فرهنگی
برنامه‌ریزی بدون مطالعه	مسئولیت فرهنگی	عدم شناخت نیاز مردم	حقوق فرهنگی
ضعف اطلاع‌رسانی	حقوق فرهنگی	نگاه موضعی به مسائل فرهنگی	مسئولیت فرهنگی
حسادت	سرمایه فرهنگی	کمبود بودجه فرهنگی	مسئولیت فرهنگی

جدول ۵- راهکارهای توسعه فرهنگی شهر اصفهان از دیدگاه کارشناسان و مدیران فرهنگی

این شهر

مؤلفه	پاسخ	مؤلفه	پاسخ
حقوق فرهنگی	استفاده از صدا و سیما	حقوق فرهنگی	آموزش
حقوق فرهنگی	آموزش فرهنگ شهرنشینی	سرمایه فرهنگی	استفاده از تجارب کشورهای موفق
حقوق فرهنگی	نظرسنجی از مردم	مسئولیت فرهنگی	هماهنگی بین مسئولان فرهنگی
مسئولیت فرهنگی	اختصاص بودجه بیشتر	مسئولیت فرهنگی	نظارت بیشتر
سرمایه فرهنگی	استفاده از جوانان	مشارکت فرهنگی	تشویق مشارکت مردم
مسئولیت فرهنگی	عملکرد فراجانچی	حقوق فرهنگی	اطلاع‌رسانی
مسئولیت فرهنگی	متولی واحد فرهنگی شهر	مسئولیت فرهنگی	توجه مسئولان به فرهنگ
مسئولیت فرهنگی	مهندسی فرهنگی شهر	حقوق فرهنگی	ایجاد فضاهای فرهنگی
سرمایه فرهنگی	استفاده از مراکز دانشگاهی	حقوق فرهنگی	ارائه خدمات ارزان‌قیمت
حقوق فرهنگی	پشتیبانی از فعالان فرهنگ	حقوق فرهنگی	فرهنگی
مشارکت فرهنگی	توسعه سازمانهای مردم‌نهاد	سرمایه فرهنگی	اجرای شب شعر
سرمایه فرهنگی	توسعه قطب‌های علمی	مسئولیت فرهنگی	توسعه گردشگری
سرمایه فرهنگی	توسعه فرهنگ مطالعه	سرمایه فرهنگی	انتصاب مسئولان متخصص
حقوق فرهنگی	توسعه فرهنگسراها	مشارکت فرهنگی	جلب اعتماد مردم
حقوق فرهنگی	توسعه مساجد	سرمایه فرهنگی	ایجاد انگیزه
سرمایه فرهنگی	رواج فرهنگ تلاش	مشارکت فرهنگی	تقویت اعتماد به فرهنگ شهر
حقوق فرهنگی	حمایت فعالیت‌های فرهنگی	حقوق فرهنگی	دعوت از همه اقشار
مسئولیت فرهنگی	برنامه‌ریزی علمی	حقوق فرهنگی	ایجاد کانونهای فرهنگی
حقوق فرهنگی	اعتماد به مردم	حقوق فرهنگی	ایجاد پارکهای بانوان
مشارکت فرهنگی	مشارکت مردم	حقوق فرهنگی	ایجاد ورزشگاه
سرمایه فرهنگی	استفاده از نیروهای خلاق	مسئولیت فرهنگی	فراخوان عمومی نظرات
مسئولیت فرهنگی	پرهیز از دخالت‌های بی‌جا	مسئولیت فرهنگی	مشخص نمودن اهداف
حقوق فرهنگی	نیازسنجی از مردم	مسئولیت فرهنگی	برنامه‌ریزی بر اساس مطالعات
			ارتباط بین دستگاه متولی

نتیجه‌گیری

توسعه فرهنگی یکی از سه بعد مهم توسعه در مطالعات اخیر کشورها و سازمانهاست. همچنین پدیده شهرنشینی در جهان و در کشور ما، بخصوص بعد از انقلاب اسلامی رشد فوق العاده‌ای را تجربه کرده و این روند زمانی می‌تواند به پویایی برسد که با توسعه فرهنگی و سطوح کیفی آن در ارتباط باشد. در کشور ایران به دلیل تأخیر در روند توسعه شهری پایدار، مهاجرت‌های گسترده به شهرها و حومه‌های شهری، سطح پایین اشتغال و وجود فقر در برخی نواحی شهری، نیاز به برنامه‌ریزی محیطی همراه با برنامه‌ریزی فرهنگی که بتواند بسترساز این روند باشد از اهمیت زیادی برخوردار است. این پژوهش با هدف بررسی راهکارهای توسعه فرهنگی شهر اصفهان از دیدگاه کارشناسان و مدیران فرهنگی این شهر انجام شد و در این راستا، نظریه‌ها و رویکردهای مختلف فرهنگی توسعه و توسعه فرهنگی شهری مورد بررسی قرار گرفت. در این مطالعه اهمیت نقش مردم و نیازها و دیدگاه‌های آنان در نظریه‌های مختلف مورد تأکید قرار گرفت. از آنجایی که توسعه فرهنگی، مستلزم توجه همه جانبه به عوامل انسانی و مادی از طرف تمام کنشگران فعال در شهرهای امروزی است، مفاهیم تخصصی مسئولیت فرهنگی شهروندان، حقوق فرهنگی شهروندان، مشارکت فرهنگی شهروندان، سرمایه فرهنگی و کارآفرینی فرهنگی به عنوان محورهای مرتبط با عوامل انسانی، انتخاب شده و اهمیت نقش این عوامل در توسعه فرهنگی تفسیر شد. در این مطالعه، سازمانهای فرهنگی فعال شهر بویژه شهرداری اصفهان از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده اما توسعه فرهنگی شهری مستلزم تقویت مسئولیت شهروندان و مدیران شهر، ارائه حقوق فرهنگی شهروندان، تشویق مشارکت فعال شهروندان، ارتقای سرمایه فرهنگی از طریق روابط، تقویت هویت و احساس تعلق و کارآفرینی فرهنگی است. نتایج تحقیق نشان داد که کارشناسان و مدیران فرهنگی شهر اصفهان به ترتیب برای مسئولیت فرهنگی شهروندان، سرمایه فرهنگی، مشارکت فرهنگی شهروندان و حقوق

شهروندان بیشترین اهمیت را قائل بوده‌اند. همچنین نتایج نشان داد که بیشترین موانع توسعه فرهنگی شهری در مقوله مسئولیت فرهنگی جای داشته و تقویت و نهادینه کردن احساس مسئولیت شهروندی نسبت به فرهنگ و موضوعات مرتبط با آن عزم و تلاش جدی مسئولان را می‌طلبد.

اگرچه مسئولان سازمانهای فرهنگی اصفهان در این راستا مجدانه کوشیده‌اند اما به نظر می‌رسد در کشور ایران هنوز بحث توسعه فرهنگی شهری به خوبی عملیاتی نشده و نیازمند توجه خاص مسئولان کلان‌شهرها به این امر مهم می‌باشد.

منابع

- ۱- افراسیابی، حسین. (۱۳۸۸). «بررسی راهکارهای توسعه فرهنگی شهر شیراز از دیدگاه کارشناسان فرهنگی و جوانان»، شیراز: شهرداری شیراز.
- ۲- امین اسماعیلی، حمید. (۱۳۷۸). «برنامه‌های اول و دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران و توسعه فرهنگی»، فصلنامه پژوهش، شماره سوم.
- ۳- بیک محمدی، حسن. (۱۳۸۰). «فرهنگ شهرنشینی و توسعه پایدار»، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان. (ویژه‌نامه جغرافیا و توسعه).
- ۴- پورشافعی، هادی. (۱۳۸۱). «پویایی فرهنگی، رهیافتی به توسعه»، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ویژه‌نامه تاریخ و علوم اجتماعی.
- ۵- راد، فیروز. (۱۳۹۰). «جامعه‌شناسی توسعه فرهنگی»، تهران: چاپخش.
- ۶- زیاری، کرامت الله. (۱۳۷۹). «سنجش درجه توسعه‌یافتگی فرهنگی استانهای ایران»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸.
- ۷- فاضلی، نعمت الله. (۱۳۸۶). جزوه درس سیاست فرهنگی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی. گروه مطالعات فرهنگی.
- ۸- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- ۹- نراقی، یوسف. (۱۳۸۸). توسعه و کشورهای توسعه نیافته، تهران: شرکت انتشار.
- ۱۰- نمازی، باقر. بالا بودن کارایی سازمانهای غیردولتی، سایت نما متن.

www.namamatn.ir

۱۱- یونسکو. (۱۳۷۶). بعد فرهنگی توسعه به سوی یک رهیافت علمی، ترجمه تیمور

محمدی، تهران: سازمان برنامه و بودجه.

- 12- Borja, J. and castells, M. (1996). Local and Global: the management of cities in the Information Age. London: Earthcan.
- 13- Duxbury.N.(2003) Toward a Creative city. [conference paper] The city of Nonaimo.s community.
- 14- Florida, R. (2005). The Rise of the creative class: and How It, s Transforming, Leisure, Commuity and Everyday life. Basic Books.
- 15- Kong, l. (2007). Cultural Icons and urban Development in Asia : Economic Imperative, National Identify, and Global City Status, Political Geography, Vol.26, www. Sciencedirect.com
- 16- Lind say. Noel.t.(2009). Toward a culture model of indigenous nascent entre preneurial attitude. Academy of marketing science Review. Vol. 5
- 17- Landri,c. (2002). The Art of city –Making. London. Earth scan.
- 18- Mommas, H. (2004). Cultural Clusters and the post- industrial City: Towards the Remapping of Urban Cultural policy. Urban Studies, Vol41, NO3.
- 19- Trotter, R.(1998). Cultural policy. In. K.Mc Gowan (Ed). The year, s work in Critical and cultural Theory. Black well Pub.
- 20- UNESCO. (1994). Cultures and Development: A study. [on line Available]. www.UNESCO.org.
- 21- UNESCO. (2000). Change in continvity. Concepts and Tools for a Cultural Approach to Development. UNESCO.Press.
- 22- Varbanova, L.(2007). Our creative cities online. In.B.Cvjeticanin. (Ed). Cultural Transitions in southeastern Europe. UNESCO Press.